

سه شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۲

وطن امروز | شماره ۴۴۲۳



ورزشی

یادداشت

مصر حریف مستقیم؛ بازی نمایشی با غول‌ها

گروه روی تیغ



«گروه آسان» که چیزی بین این دو، روی خطی باریک که اگر لحظه‌ای لغزش کنیم، پایین می‌افتیم، بلژیک، مصر و نیوزیلند ۳ رقیبی هستند که هر کدام برای خودشان دلیلی دارند تا رویای صعود ببینند و از این نظر وضعیت ما اصلا ساده نیست.

واقعیت این است که در این گروه، هیچ کس سیاهی‌لشکر نیست. بلژیک، با آن ساختار جابفتاده و سال‌ها حضور در سطح اول فوتبال اروپا، به طور طبیعی مدعی اول صعود است و روی کاغذ شانس بیشتری برای صدرنشینی دارد. ایران و مصر در یک سطح بسیار نزدیک به هم قرار می‌گیرند؛ ۲ تیم آسیایی و آفریقایی با کیفیت، با سبک‌های متفاوت اما امکانات و تجربه قابل قیاس، نیوزیلند هم اگر چه از نظر فردی عقب‌تر است اما تیمی است که می‌داند چطور فضا را ببندد و بازی را خفه کند. در چنین گروهی هر اشتباه کوچک می‌تواند سرنوشت صعود را جابه‌جا کند.

بازی با نیوزیلند برای من فقط یک «باید ببریم» ساده نیست. شما باید در این مسابقه هم نتیجه بگیرید، هم انرژی و اعتمادبه‌نفس تیم را حفظ کنید. اگر برای ۲ امتیاز آنقدر خودتان را خالی کنید که در ۲ مسابقه بعد خسته و بی‌روح وارد زمین شوید، عمل خودتان را از مسیر صعود کنار گذاشته‌اید. مدیریت بار روانی و بدنی در همین بازی به‌ظاهر ساده، کلید ادامه راه است.

اما اگره اصلی، مصر است. اگر بخواهم صادق باشم، ما باید از همین امروز این تیم را شبیه‌سازی کنیم. یعنی در بازی‌های تدارکاتی حریفانی را انتخاب کنیم که نزدیک‌ترین شباهت را به ساختار و مدل بازی مصر دارند؛ تیمی با خط حمله سریعی، خطوط فشرده و انتقال‌های سریع از دفاع به حمله. اگر در بازی‌های تدارکاتی به‌جای چنین رقیبانی، فقط دنبال نام‌های پرزرق‌وبرق باشیم، چیزی جز فریب به دست نمی‌آوریم.

من با این نگاه که «هر چه حریف بزرگ‌تر، بهتر» است موافق نیستم. بازی با تیم‌هایی که چند پله بالاتر از ما هستند، برای تماشای جذاب است، برای جدول تدارکاتی قشنگ است اما لزوماً به درد آماده‌سازی این گروه نمی‌خورد. ما باید با تیم‌هایی بازی کنیم که یک درجه بالاتر یا نزدیک به خودمان باشند؛ حریفانی که اگر در تدارکات بتوانیم برابرشان درست دفاع کنیم و موقعیت بسازیم، در میدان اصلی مقابل مصر و نیوزیلند هم به کارمان می‌آید. مسابقات نمایشی با غول‌های سطح اول فقط وقتی مفید است که از دل‌شان الگوی عملی دربیاوریم، نه اینکه صرفاً برای عکس یادگاری به زمین برویم.

از ترکیب خودمان که حرف می‌زنم، نگرانی‌ام پنهان نیست. در چند پست کلیدی، گزینه‌های ما محدودند و این فقط مشکل سرمربی نیست، محصول سال‌ها بی‌توجهی باشگاه‌ها به پرورش تخصصی بازیکن در آن پست‌هاست. وقتی در تحلیل داخلی می‌بینیم برای بعضی جایگاه‌ها ۲ انتخاب مطمئن هم نداریم، طبیعی است امیر قلعه‌نویی و همکارانش تا روزهای آخر در لیست دست ببرند و آزمون و خطا کنند. این تغییرات لحظه آخری نشان‌دهنده سردرگمی مطلق نیست؛ نشانه این است که ذخیره کیفی کافی در برخی نقاط زمین در اختیار نداریم.

در این مسیر، اطلاعات مهم‌ترین سرمایه است. هر چه تیم آنالیز، قوی‌تر باشد، هر چه مشاوران فنی دقیق‌تر کار کنند، ریسک اشتباه در تصمیمات کمتر می‌شود. ما باید مصر، نیوزیلند و حتی خودمان را تا جزئیات کوچک بشناسیم؛ الگوهای پرس، نحوه شروع حمله، واکنش هنگام عقب افتادن احتمالی. جام جهانی فقط جنگ پا نیست، جنگ داده و تحلیل هم هست. گروه ما روی کاغذ قابل عبور است اما به شرطی که حریفان واقعی را درست تشخیص بدهیم. «مصر»، «ساختار خودمان» و «عادت دیرینه‌مان به شلوغ کاری تدارکاتی.» این اگر ۳ را جدی بگیریم، اسم بلژیک، بزرگ‌ترین بهانه برای توجیه حذف خواهد شد.

خبر

داستان سرعت مدال ملی پوشان تکواندو در کنیا

در حاشیه رقابت‌های تکواندوی زیر ۲۱ سال قهرمانی جهان در نایروبی کنیا، مدال طلای ابوالفضل زندی و برنز امیرمحمد اشراقی به همراه ۲۰۰ دلار پول از داخل ساک ملی‌پوشان ایران به سرعت رفت.

به گزارش ایسنا اسماعیل اسماعیل‌پور مربی تیم ملی تکواندو توضیح داد اعضای تیم‌های ملی دختران و پسران برای تشویق «محمد علیزاده» در مبارزه فینال روی سکو حاضر شدند و با پایان دیدار و بازگشت به سالن گرم، متوجه مفقود شدن یکی از ساک‌ها شدند. به گفته او تا قبل از این اتفاق، به‌رغم قرار داشتن لوازم تیم در سالن گرم، مشکلی پیش نیامده بود اما در لحظه کوتاهی که تیم به سکو رفت، کیف حاوی مدال‌ها و پول بازیکنان ناپدید شد.

اسماعیل‌پور اعلام کرد موضوع بلافاصله پیگیری شد اما تلاش‌ها نتیجه‌ای نداشت و ساک پیدا نشد. با این حال با رایزنی‌های انجام‌شده توسط هادی ساعی، کمیته برگزاری مسابقات مدال‌های جدیدی به جای نمونه‌های سرقت‌شده در اختیار تیم ایران قرار داد؛ اقدامی که باعث دلگرمی ۲ ملی‌پوش جوان شد.

این رقابت‌ها نخستین دوره مسابقات تکواندوی امیدهای جهان بود و به گفته اسماعیل‌پور سطح مسابقات بسیار بالا و حضور چند قهرمان بزرگسالان قابل توجه بود. تیم پسران ایران در پایان با هدایت ساعی و افلاکی موفق شد عنوان قهرمانی را کسب کند؛ هرچند مشکلات اجرایی و میزبانی موجب اعتراض برخی تیم‌ها شد.

اقدام

کمیته محلی سیاتل برای نامگذاری بازی ایران و مصر در جام جهانی ۲۰۲۶ برای همجنس‌بازها

مسلمان آزاری



اهرم اجرا، قانون فقط متن است. امروز زمان آزمون فیفاست. اگر این سازمان به اصول خود باور دارد، باید بی تعارف در برابر رفتار میزبان بایستد. جهانی که فوتبال را دوست دارد، زمین بی‌طرف می‌خواهد؛ نه صحنه‌ای که یک کشور با صدای بلند باورش را فریاد بزند و بقیه را وادار به شنیدن کند. جام جهانی نباید به سکوی تبلیغ بی فرهنگی تبدیل شود. زمین فوتبال جای گل و تانکیک است، نه جای نمایش اجباری باورهای بیمار گونه میزبان. اگر فیفا سکوت کند، زمین می‌فهمد که عدالت در این بازی فقط روی برن‌ها نوشته شده، نه در رفتار برگزار کنندنده. امروز آمریکا میزبان است اما میزبان زور گو. و فیفا اگر بی‌طرفی را جدی می‌گیرد، باید ثابت کند در خانه فوتبال، احترام میهمان خط قرمز است.

جهانی اگر امروز نایبسته، فردا مجبور خواهد شد روی خرابی بنایی که خودش ساخته راه برود. پیشنهادهایی برای جلوگیری از انفجار پیش رو مطرح شده اما تا زمانی که اراده برخورد وجود نداشته باشد، پیشنهاد کاغذ است. راهکار روشن است: ۱- لغو فوری نامگذاری بازی ایران و مصر و توقف استفاده از عنوانی که آشکارا تهییج‌کننده است. ۲- انتقال برنامه‌های مرتبط با همجنس گرایی به خارج از فضای رسمی مسابقه؛ فوتبال قرار نیست بستر تبلیغ اجتماعی باشد. ۳- تشکیل کمیته مستقل نظارتی برای کنترل برنامه‌های جانبی آمریکا در جام. ۴- احضار رسمی میزبان به پاسخگویی و تهدید به جریمه؛ بدون

تحمیلگر است. این رفتار آمریکا میهمان‌آزاری آگاهانه است. مثل صاحبخانه‌ای که میهمان را دعوت کند اما بر سر سفره‌اش غذایی بگذارد که میهمان با باورش نمی‌پذیرد، سپس انتظار داشته باشد که لیخند و بزند و تشکر هم بکنند در جام جهانی قطر، سخن از احترام بود؛ فروش مشروبات ممنوع شد، نمادهای فرهنگی محدود شد تا میزبان تحقیر نشود. چرا همان معیار امروز رعایت نمی‌شود؟ آیا احترام فقط زمانی لازم است که میزبان مسلمان باشد؟ آیا ارزش‌ها فقط زمانی مهم هستند که در خاورمیانه اجرا شوند نه در آمریکا؟ از ایران خبر می‌رسد شکایت رسمی به فدراسیون جهانی فوتبال در حال تهیه است و منابع نزدیک به قاهره نیز می‌گویند مصر احتمالا هم‌مسیر خواهد شد. این یعنی موضوع دیگر یک اختلاف کوچک نیست؛ یک پرونده رسمی است. فدراسیون



تقابل امروز پرسپولیس - پیکان در هفته سیزدهم لیگ برتر در ورزشگاه اکباتان

میهمانی بدون تماشاگر

لیگ برتر، پرسپولیس و پیکان در ورزشگاه پارس قوامین اکباتان مقابل هم می‌ایستند؛ دیداری که پیش از سوت آغاز، مهم‌ترین چالش نه سیستم‌های تاکتیکی است و نه نفرات غایب، بلکه جایی است که مسابقه برگزار می‌شود و تماشاگرانی که نیستند! سرانجام پس از روزها کش‌وقوس، تصمیمی اتخاذ شد که هوادار قرمز با آن کنار نیامده؛ بازی بدون تماشاگر در اکباتان؛ از ۴۳۰۰ نفر داری به هیچ رسیدیم، سقوطی که فقط باختن سکو نیست، از دست دادن نفس مسابقه است. وقتی فوتبال به سکوت سپرده شود، حتی بهترین پاس‌ها هم پژواک ندارند. پرسپولیس که همین هفته گذشته در اراک با استقلال رویه‌رو شد، حالا باید دوباره خارج از خانه وارد میدان شود. نه قلمشهر پذیرفته شد، نه شهر قدس جواب داد. زمین‌ها یکی یکی خط خوردند تا نهایتاً قرعه افتاد به اکباتان؛ شهری که قصه‌اش بیشتر شبیه تبعیداجباری تیم‌های فوتبال پایتخت‌است. نبود گیت، تردید امنیتی، کمبود پارکینگ و نهایتاً رای شورای تأمین در یک حمله خلاصه شد. ورزشگاه خالی.

برای هواداری که هفته قبل فقط ۴۳۰۰ صندلی نصیبش شد و حالا حتی همان هم نیست، فوتبال امشب چیزی شبیه تماشای فیلمی است بدون صدا. در ورزشگاهی کوچک که برای مسابقات پرسپولیس ساخته نشده، بزرگ‌ترین بازنده نه پیکان است نه پرسپولیس، بلکه هویت مسابقه است. پرسپولیس امسال بیش از هر زمان دیگری نیازمند انرژی روی سکو بوده، بویژه در نسخه جدید با اوسمار که ساختارش به گردش افتاده‌محور توپ و ریتم شناور وسط میدان وابسته است. تیمی که با تشویق جان می‌گیرد، حالا باید با صدای نفس خودش کار کند.

■ **تحلیل فنی مسابقه** اگر از هیاهوی نبود تماشاگر عبور کنیم و برسیم به زمین، بازی امشب نبرد ۲ فلسفه متفاوت است؛ پیکان بافوتبال عمودی و ضربه اول سریع، مقابل پرسپولیس ویرا با مالکیت افزایشی و ساخت بازی از عقب. پیکانی‌ها عادت دارند با ۳ پاس به محوطه

در آستانه تقابل پرسپولیس - پیکان، مهم‌ترین علامت سؤال روی بازویند کاپیتانی است؛ امید عالیشاه، بازیکنی که همیشه برای تیم مثل ضربان بوده، حالا احتمالاً این هفته را از کنار خط می‌بیند. او در داری در اراک، روی زمینی که بیشتر شبیه دامنهای ناهموار بود تا چمن استاندارد، بر خوردی داشت که منجر به مصدومیت خفیفش شد. با این حال کاپیتان طبق عادت همیشگی‌اش بازی را راه‌نکرد و با‌درد تا میانه نیمه دوم گنجد؛ رفتاری که بیش از هر چیز نشان می‌دهد هنوز قلبش جلوتر از پایش می‌دود.

ریسک ممنوع

اما فوتبال مدرن احساس‌محور نیست. اوسمار ویرا که در هفته‌های گذشته تیمش را با کمترین حاشیه پیش برده، نمی‌خواهد برای یک مسابقه، کاپیتان را به قیمت تشدید آسیب‌دیدگی از دست بدهد. کادر فنی به‌خوبی می‌دانند پرسپولیس در مسیر طولانی لیگ به عالیشاه نیاز دارد؛ خصوصاً در بازی‌های بزرگ‌تر و نفس‌گیرتر. بنابراین حتی اگر تست‌های تمرین نشان دهد او آماده بازگشت است، تصمیم نهایی محتاطانه خواهد بود.

تمرینات روزهای اخیر نشان داده روند درمانی او رضایت‌بخش بوده اما فزاینده، باید مراقب سلامت او باشند. با توجه به اینکه تیم ملی فوتبال ایران در حال حاضر در شرایط دشواری قرار دارد، این تصمیم می‌تواند به نفع تیم ملی باشد. با توجه به اینکه تیم ملی فوتبال ایران در حال حاضر در شرایط دشواری قرار دارد، این تصمیم می‌تواند به نفع تیم ملی باشد. با توجه به اینکه تیم ملی فوتبال ایران در حال حاضر در شرایط دشواری قرار دارد، این تصمیم می‌تواند به نفع تیم ملی باشد.

بدرخشند، باشگاه باید مراقب افت بدنی بعد از تورنمنت هم باشد. ۲ نفر از جمع ازبک‌ها هنوز در شرایط مسابقه نیستند اما از لحاظ پروفایل، کاملاً وابسته به سیستم کاناوارو هستند؛ یعنی دفاع با خط میانی فشرده و ضدحمله‌ها با انتقال سریع مالکیت.

از آسیای میانه که فاصله بگیریم، به هائیتی و داکتر نازون می‌رسیم؛ مهاجم استقلال که عملکردش در تیم ملی کشورش بسیار متفاوت از باشگاه بوده است. هائیتی در کونکاکاف بافوتبال پرسیسک و حمله‌محور شناخته می‌شود؛ تیمی که پرس شدید نمی‌کند اما در فاز تهاجمی روی بازی مستقیم حساب می‌کند. نازون دقیقاً همان سبک مهاجمی است که در ضدحمله زهر دارد؛ تمام‌کنندگی‌اش در مقدماتی جام جهانی گواه این موضوع است. مشکل او در لیگ ایران عدم ارتباط کافی با نیم‌فضای راست است؛ جایی که توپ به‌سادگی به او نمی‌رسد و مهاجم مجبور است بیشتر پشت به دروازه بازی کند. اگر استقلال بتواند

میانی بکشد و سرعت سرخ‌ها را بگیرد، ورزشگاه خالی یعنی سود دفاعی برای میزبان؛ بدون فشار صوتی روی داور و بازیکنان، تیم تدافعی آرام‌تر نفس می‌کشد.

■ **پیوندی میان این بازی و آینده لیگ** از سطح باشگاهی که عبور کنیم، همین هفته مصادف با بحث داغ حضور خارجی‌های لیگ ایران در جام جهانی است. ازبک‌ها با ۵ بازیکن حاضر در لیگ ایران، نازون با هائیتی، آسانی با آلبانی، منیر امیدوار برای مراکش، اوریه تشنه بازگشت به ساحل عاج؛ همگی در آستانه آزمونی‌اند بزرگ‌تر از لیگ. نکته جذاب این است که لیگ ما دیگر فقط مصرف‌کننده نیست، صادرکننده است. مسابقه امشب حتی بدون تماشاگر نیز برای این بازیکنان ویرتین است؛ ویرترین آرام اما مهم.

اگرچه حرف از جام جهانی و ستاره‌های خارجی بزرگ است اما برای پرسپولیس اولویت چیزی نزدیک‌تر است: پیروزی در اکباتان بدون سکو. تیمی که مدعی قهرمانی است باید بتواند در سکوت هم برنده شود. بازی امشب محک شخصیت تیم است؛ اینکه آیا پرسپولیس بدون ضربان قلب هوادار هم همچنان قرمز خطرناک باقی می‌ماند یا نه.

■ **جمع‌بندی** زمین کوچک، هوای سرد و سکوی خالی بیشتر شبیه تمرین رسمی است تا جاذبه سیزدهم اما گاهی همین مسابقات کم‌صدا قهرمانی‌ها را می‌سازند. نبود هوادار شاید تبیی است کند در حمله اما فرصتی است برای تمرکز. همه نگاه‌ها به خط هافبک است؛ جایی که جای خالی سروش باید با هوش مارکو یا جنگندگی خابندهلو پر شود.

پرسپولیس اگر نتواند توپ را سریع بچرخاند، باکیج را در موقعیت شوت‌زنی قرار دهد و از کنارها با ارسال کوتاه ضربه بزند، ۳ امتیاز باید دست‌یافتنی باشد اما اگر بازی کند، انتقال‌ها طولانی و پرس اولیه پیکان جواب دهد، شب سختی برای قرمزها رقم می‌خورد. در نهایت، امشب فوتبال ایران یک تصویر دارد: ورزشگاهی که می‌توانست پر باشد اما خالی است و تیمی که باید نشان دهد برای قهرمان شدن همیشه به صدا نیاز نیست؛ گاهی کافی است فوتبال حرف بزند.

عالیشاه نزدیک بازگشت؛ دور از پیکان



اما منیر حسدادی معادله‌ای پیچیده‌تر دارد. در استقلال تلاش می‌کند خودش را دوباره معرفی کند اما برای بازگشت به لیست تیم ملی فوتبال مراکش باید چیزی فراتر از نمایش خوب ارائه کند. مراکش تیمی است که ساختارش روی نظم دفاعی و انتقال سریع سوار است. برای قرار گرفتن در کنار زیش، اوئی و بوفال، منیر باید در لحظه تصمیم کارآمدتر باشد؛ یعنی کاهش لمس‌های اضافی و افزایش تنوع در دودین‌های عمقی. اگر این بازتعریف اتفاق بیفتد، تقابل احتمالی او با نازون در دور گروهی می‌تواند یکی از صحنه‌های سینمایی جام باشد. آخر سر می‌رسیم به سرز اوریه؛ بازیکنی که از جام جهانی ۲۰۱۴ تاکنون تجربه و سردری تصمیم‌های سخت را در چمپانداش حمل می‌کند. اوریه اگر دوباره به تیم ملی ساحل عاج برگردد، با چالشی متفاوت رویه‌رو است: حفظ دوندگی در سن بالا و ارائه خروجی پایدار در ۹۰ دقیقه اما کیفیت خوانش بازی‌اش چیزی است که در لیگ ایران کم‌نظیر است؛ او مثل مدافعی است که ۳ ثانیه آینده را از قبل دیده.

جام جهانی نزدیک است و لیگ ایران شاید برای نخستین بار پس از مدت‌ها، نه فقط تماشاگر بلکه صادرکننده انرژی به این رویداد باشد. لیگی که گاهی سطوحش دست‌کم گرفته می‌شود، حالا بازیکنانی دارد که ممکن است فردا روی بزرگ‌ترین صحنه دنیا بدرخشند. این بار، جام جهانی فقط یک تورنمنت نیست؛ آزمونی است که نشان می‌دهد فوتبال ایران در تربیت و نگهداری ستاره‌های بیگانماش چقدر حرفه‌ای شده.